

درس یازدهم



# نفس خردمندان

ویراننده

چهل سال از حمله‌ی خانان سوز مغولان به ایران گذشته بود. هنوز سایه‌ی وحشت و خاطره‌ی هراس انگیز قتل عام مردم این سرزمین از سوی چنگیز و ترسانگسار دست‌جمعی

فرزندانش از ذهن مردم ایران، پاک‌نشده بود. لنایه از شروع حید و دغلو در این هنگام، آشوب دیلری برخاست. هلاکو، خان مغول، برای نابود کردن مخالفان خود، به ایران حمله کرد. بار دیگر نگرانی و اندوه، قلب مردم را دردم فشرد. لنایه از ناراحت شدن زیاد

خواجه نصیرالدین توسی، ریاضی‌دان، نویسنده و ستاره‌شناس بزرگ ایرانی، با خود اندیشید که «چه می‌توان کرد؟»

آن‌گاه با خود گفت: «جامعه، برای حفظ خود، به سه چیز نیازمند است: حقیقت‌نویسی، قلم و دینار، شمشیر و دینار در دست دشمن است و قلم که از همه کارسازتر

متنور علم و دانش  
نیروی جینی  
در آینه و آینه مالیه

کتابه سیرت در علم و داس

است، در دست ما. اگر بتوان قلم را به قدرت رساند، شمشیر و دینار را هم می توان از دشمن گرفت.»

خواجه با همین نقشه، تصمیم گرفت به درون حکومت مغول ها راه پیدا

کند و اندیشه و رفتار آنها را تغییر دهد.

هلاکو هم که خود را نیازمند هوش و دانایی خواجه نصیر می دانست، او را گرامی داشت و مشاور خود کرد. خواجه، کارش را با حرکتی زیرکانه آغاز <sup>طرح هوسنانه</sup> شروع

کرد. او می خواست یک مرکز علمی ایجاد کند اما برای این کار دشوار، <sup>سخت</sup> تصمیم

عجیبی گرفت.



## هنگام سب

## صرف لَهتیه کرد نقد

تشتی فراهم آورد و دو تن را مأمور کرد تا آن را شبانگاه از بالای قلعه به پایین اندازند. او

ترسناک

قبلاً زمان انداختن تشت را به خان مغول، اطلاع داده بود و وقتی تشت با صدای مهیب،

پایین افتاد ترسیده بیدار شده فرار کرد

فرود افتاد، مردم وحشت زده از خواب برخاستند. همه می‌گریختند و گمان می‌کردند، حادثه‌ی

ناخوشایند - بد

ناگواری پیش آمده است.

خوان = سفره

خواجه به هلاکو گفت: «ای خان بزرگ، تو چرا فرار نمی‌کنی؟ تو چرا نمی‌ترسی؟»  
هم آوا

هلاکو گفت: «چون از پیش می‌دانستم.»

خواجه، بخند می‌زد و گفت: «پس اگر بتوانیم حوادث را پیش بینی کنیم، هرگز به وحشت

راه علی بیدار می‌کنیم.  
نمی‌افتیم و چاره‌ای می‌اندیشیم.»

گرفتن

با همین حرکت زیرکانه، خواجه توانست کلیه امکانات حکومت هلاکو را برای جذب

دانشمندان و ساختن رصدخانه‌ی بزرگ مراغه به کار گیرد.  
هم آوا :  
توس : سهر  
طوس : رنگ

خواجه نصیرتوسی، ریاضی‌دانان و ستاره‌شناسان را از سرزمین‌های اسلامی دعوت کرد.

او در کنار رصدخانه، کتاب‌خانه‌ای نیز ایجاد کرد که شمار کتاب‌های آن را تا چهارصد هزار

و احد شمارش کتاب  
جلد نوشته‌اند.

بزرگ‌ترین خدمت او این بود که در دوره‌ی هلاکو و هنگام چیرگی مغول، به تربیت

دانشمندان و نگهداری کتاب‌ها و آثار علمی توجه کرد. در آن هنگام که مغولان کتاب‌ها را

آتش می‌زدند یا در آب می‌انداختند، او به نسخه‌برداری و جمع‌آوری کتاب‌ها مشغول شد و

از سن می‌رفت.  
اگر (تلاش و همت) او نبود، بیشتر آن آثار ارزشمند از میان می‌رفت.

حدود دو‌یست سال پیش از خواجه نصیر، مردی بزرگ از **ولایت سهر** او، به نام خواجه نظام‌الملک توسی، نیز با تدبیر و توانایی علمی خود کارهای بزرگی انجام داد. او در دوازده شهر مهم آن روز، مدارس شبانه‌روزی تأسیس کرد که مانند دانشگاه‌های امروز، اداره می‌شدند. این مدارس به «نظامیه» معروف بودند. سعدی یکی از صدها دانشمندی است که در این مدارس، تحصیل کرده است.

خواجه نظام‌الملک، در شهر ری، رصدخانه‌ای ساخت که بسیاری از دانشمندان در آنجا به تحقیق مشغول شدند.

در آسمان علم و فرهنگ ایران، ستاره‌های پر فروغ فراوانی مانند خواجه نظام‌الملک و خواجه نصیر توسی می‌توان یافت. این دانشمندان، با تکیه بر لطف پروردگار، در سخت‌ترین شرایط کوشیدند، ایران را به **اوج عظمت و سر بلندی** رسانند.

## درست و نادرست

- ۱ به گفته‌ی خواجه نصیر توسی، برای حفظ جامعه، شمشیر از همه کارسازتر است. X
- ۲ سعدی در یکی از مدارس نظامیه تحصیل کرده است. ✓
- ۳ خواجه نصیر توسی با زیرکی توانست رصدخانه‌ای در شهر ری بسازد. X



۱ منظور از جمله‌ی زیر چیست؟

«جامعه برای حفظ خود به شمشیر، قلم و دینار نیازمند است.»

۲ نسخه‌برداری و جمع‌آوری کتاب‌ها توسط خواجه نصیر چه اهمیتی داشت؟

۳ خواجه‌نظام‌الملک توسی و خواجه‌نصیر توسی برای پیشبرد علم چه فعالیت‌هایی داشتند؟

۴ به گفته‌ی خواجه‌نصیر، «اگر بتوانیم حوادث را پیش‌بینی کنیم هرگز به وحشت نمی‌افتیم.»

آیا با این جمله موافقید؟ چرا؟

۵ .....

## دانش زبانی



کاربرد واژه

جمله‌های زیر را بخوانید.

چهل سال از حمله‌ی خانمان سوز مغول به ایران گذشته بود. / ویرانگر، خانمان بر انداز

نگرانی و اندوه، قلب مردم را درهم فشرد. / آزرده، رنجاند، به درد آورد

قلم از همه کارسازتر است. / مفیدتر، مؤثرتر، اثر گذارتر

حالا به جمله‌ها دقت کنید. درباره‌ی واژه‌های مشخص شده، گفت‌وگو کنید.

■ مردم از خواب برخاستند.

■ تشش با صدای مهیب از بالای قلعه فرو افتاد.

گاهی برای بیان یک مفهوم، ممکن است چند واژه داشته باشیم که با یکدیگر هم معنی باشند، باید در به کارگیری واژه‌ها، دقت کنیم.



۱ **اندیشیدن:** نخست شعر مورد نظر را به صورت آرام و بی صدا بازخوانی کنید و درباره‌ی محتوا و آهنگ مناسب آن، بیندیشید.

۲ **یافتن:** پس از بازخوانی و اندیشیدن درباره‌ی محتوا، لحن و آهنگ مناسب آن را کشف کنید.

۳ **شناختن:** پس از اندیشیدن و یافتن آهنگ مناسب، اکنون باید با توجه بیشتر، بار دیگر شعر را نزد خود بخوانید تا درک بهتری از فضا، شخصیت، مکان و رویدادهای شعر پیدا کنید، مثلاً اگر دو شخصیت در شعر با هم گفت‌وگو می‌کنند، تغییر آهنگ را رعایت کنید.

۴ **خواندن:** پس از مرور شعر و تشخیص لحن مناسب آن، اکنون با آهنگ و سرعت مناسب، به صورت رسا، خوانش شعر را آغاز کنید.

۵ **نشان دادن:** به کارگیری حرکات دست و سر و تغییر حالت‌های چهره به هنگام خواندن، باعث می‌شود، حس و پیام شعر را، بهتر به شنونده منتقل کنید. با این کار، در حقیقت، فضای شعر را برای شنونده، نمایش می‌دهید. سعی کنید حرکات شما با آهنگ خواندنتان متناسب باشد.

